

## نقش وراثت و ژنتیک در تربیت انسان از منظر روایات شیعه

مصطفی خدادادنژاد 

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران. [khodadad.mostafa@gmail.com](mailto:khodadad.mostafa@gmail.com)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ژنتیک در تربیت انسان و وراثت صفات روحی در منابع حدیثی شیعه است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که، اولاً، وراثت و انتقال صفات به واسطه ژنتیک منحصر در صفات جسمانی و ظاهری نیست؛ بلکه صفات روحی و غیرجسمانی نیز از والدین و خاندان به فرزندان منتقل می‌شود. ثانیاً، برخی صفات اخلاقی در روایات مورد تصریح قرار گرفته و تأکید شده‌اند که به صورت ارثی از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. این صفات عبارتند از: حماقت، بی‌وفایی، شجاعت و ترس، شهوت، سخاوت، حسادت، خوش اخلاقی و شرافت. ثالثاً، استعداد‌های مختلف افراد نیز از طریق وراثت به فرزندان منتقل می‌شود. بنابراین، روایات مذکور در واقع ملاک‌هایی برای انتخاب همسر با نگاه به تربیت فرزندان آینده شخص را بیان می‌کنند. در این روایات به اصل تأثیر ژنتیک در انتقال صفات و خصوصیات مذکور پرداخته است، اما میزان تأثیر ژنتیک در شکل‌گیری یک خصوصیت در شخصیت انسان را بیان نمی‌کند. تعیین میزان تأثیر ژنتیک در تثبیت صفات روحی و مشخص شدن سهم سایر عوامل مثل محیط، آموزش و... می‌تواند نقشه جامعی برای تربیت افراد به دست مربیان تربیتی دهد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود، دانشمندان علوم تربیتی با استفاده از آزمایشات و تجربیات روشمند علمی، سهم وراثت و سایر عوامل در شکل‌گیری صفات مختلف را مورد بررسی قرار دهند.

**کلیدواژه‌ها:** وراثت، صفات روحی، ژنتیک، روایات شیعه، تربیت، فرزندان، والدین.

استناد به این مقاله: خدادادنژاد، مصطفی (۱۴۰۲). نقش وراثت و ژنتیک در تربیت انسان از منظر روایات شیعه. *تربیت متعالی*، ۲(۱)، ص ۹۱-۱۱۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳

© نویسندگان

<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: مرکز تربیت معلم مبلغ



## ۱. مقدمه

انسان به عنوان موجودی بسیار پیچیده، به عنوان اشرف مخلوقات عالم شناخته می‌شود. موجودی که می‌تواند راه هدایت را بیامد و برتر از ملائکه باشد؛ همانطور که می‌تواند راه ضلالت را طی کند و پست‌تر از حیوانات قرار بگیرد. در این میان، عوامل زیادی بر انتخاب یکی از این دو راه، تأثیرگذار هستند. بی‌شک انسان در انتخاب یکی از این دو راه مختار است؛ اما عواملی وجود دارند که بر انتخاب‌های انسان تأثیر می‌گذارند. مجموعه عواملی که شخصیت انسان را شکل می‌دهند و انتخاب‌های او را جهت می‌دهند، عوامل تربیتی نام دارد. بدیهی است که عوامل محیطی و برخوردهای مرییان و اطرافیان از عوامل تأثیرگذار بر تربیت انسان است؛ اما آیا عوامل ذاتی و درونی که از بدو تولد همراه انسان است، بر تربیت او تأثیرگذار هستند؟ اگر چنین عواملی وجود دارد - و به ناچار از والدین به فرزند به ارث رسیده - در روایات شیعه به آن‌ها اشاره شده است؟ وراثت صفات روحی چه تأثیری بر تربیت انسان دارد؟ به دنبال این پرسش‌ها، اصلی‌ترین سؤال این پژوهش این است که نقش ژنتیک در تربیت انسان در منابع حدیثی شیعه چیست؟ پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش و پرسش‌هایی از این نوع است.

تربیت صحیح انسان متوقف بر کشف تمام عوامل تأثیرگذار بر تربیت است. غفلت از برخی عوامل تأثیرگذار سبب به بار آمدن نتایج نامطلوب در تربیت خواهد شد. عامل وراثت به عنوان یک عامل محتمل مؤثر در تربیت، مورد اختلاف اندیشمندان علوم تربیتی قرار گرفته است. برخی با طرح نظریه‌های روانشناسی و تربیتی که منجر به «جبرگرایی محیطی» می‌شود، تأثیر سایر عوامل از جمله وراثت را منکر شده‌اند (سالاری، ۱۳۹۶). اهل بیت (ع) عالم به علومی هستند که به طور مستقیم از جانب خدای متعال به آن‌ها الهام می‌شود و اشتباه و خطا در آن‌ها راه ندارد؛ پس روایات شیعه که نقل‌کننده کلمات اهل بیت (ع) است، می‌توانند در حل این اختلاف راهنمای خوبی باشند. لذا پرداختن به روایاتی که متعرض این موضوع شده‌اند، سرآغاز مباحث تربیتی فراوانی خواهد بود. در این پژوهش با مراجعه به منابع دست اول روایی و جمع‌آوری داده‌ها به صورت فیش‌برداری به توصیف، تحلیل و نقد داده‌ها پرداخته خواهد شد.

## ۲. مفاهیم پژوهش

### ۱-۲. تربیت

تربیت در لغت به معنای پرورش دادن است. برخی از لغت‌شناسان آن را از ماده «ر ب و» مشتق می‌دانند. «رَبَّیْتُ فلاناً» به معنای این است که او را بزرگ کردم (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۱۹۸؛ جوهری، ۱۴۰۴، ص ۲۳۵). ماده «ر ب و» به معنای بالا آمدن و بلند شدن است. به تپه «رَبْوَةٌ» گفته

می‌شود و أخذ زیاده در مقابل قرض را به همین دلیل «ربا» نامیده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸۴). برخی دیگر آن را از ماده «ر ب ب» دانسته‌اند و معتقدند «رَبَّيْتُ تَرْبِيًّا وَ تَرْبِيَةً» به معنای این است که متولی امور آن شخص شدم، تا از طفولیت خارج شود (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ص ۲۳۴). در همین راستا اعتقاد دارند که ربّ به معنای پرورش‌دهنده است و خداوند متعال ربّ العالمین است. به هر حال تربیت از هرکدام از این دو ریشه مشتق شده باشد، به معنای نگهداری و حفاظت از یک فرد برای رشد و ارتقاء است.

در قرآن، کلمه «تربیه» با همین ترکیب استعمال نشده، ولی مشتقات آن با هر دو ریشه آن در معنای لغوی خودشان استفاده شده است؛ حتی از کلمات هم معنا با تربیت از همین ریشه نیز بهره برده شده است.<sup>۱</sup> در روایات نیز از کلمه «تربیه» استفاده می‌شود؛ چنانچه در برخی روایات به معنای پرورش جسم کودک است تا زمانی که بزرگ شود، بدون لحاظ اینکه از نظر اخلاقی، روحی و استعدادهای نهفته برای متربی کاری صورت بگیرد یا نه. در تفسیر قمی روایتی در مورد اینکه چرا خمس را به شش قسمت باید تقسیم کرد و سه قسمت آن مال امام است، وجود دارد که در تعلیل این مسئله امام فرموده است: «لِأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَلْزَمَهُ مَا أَلْزَمَ النَّبِيَّ مِنْ تَرْبِيَةِ الْيَتَامِ وَ مَوْنِ الْمُسْلِمِينَ وَ قَضَاءِ دِيُونِهِمْ وَ حَمَلِهِمْ فِي الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۸). با توجه به این سخن، می‌توان نتیجه گرفت که تربیت ایتم مسلمین برعهده امام است. مراد از این تربیت برعهده گرفتن نمونه مالی برای بزرگ شدن آنها است، نه اینکه مستقیماً امام مکلف به پرورش روحی و جسمی آنها باشد. در نقل دیگری در تفسیر قمی آمده است: «جَعَلَ اللَّهُ النَّبِيَّ أَبًا لِلْمُؤْمِنِينَ - أَلْزَمَهُ مَثُوبَتَهُمْ وَ تَرْبِيَةَ يَتَامِهِمْ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۶). بنابراین، تربیت را عطف بر مئوتهم کرده است که ظهور در پرورش جسمی آنها دارد.

تربیت به معنای پرورش اخلاقی و روحی یک فرد نیز در روایات وجود دارد؛ به طور مثال در توحید مفضل نقل شده است که اگر خداوند از ابتدا کودکان را با عقل کامل متولد می‌کرد و آنها مستقل می‌بودند، شیرینی تربیت فرزند از بین می‌رفت و والدین به مصالحی که در تربیت کودک نهفته است، نمی‌رسیدند. «فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ يُوَلَّدُ تَامَ الْعَقْلِ مُسْتَقْبَلًا بِنَفْسِهِ لَذَهَبَ مَوْضِعُ حَلَاوَةِ تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ وَ مَا قُدِّرَ أَنْ يَكُونَ لِلْوَالِدَيْنِ فِي الْإِسْتِغَالِ بِالْوَلَدِ مِنَ الْمَصْلَحَةِ؛ اگر کودک در هنگام تولد، عقلی کامل داشت و مستقل و خودکفا می‌بود، شیرینی فرزندداری از میان می‌رفت. پدر و مادر به مصالحی که در تربیت کودک نهفته است نمی‌رسیدند» (مفضل بن عمر، بی‌تا، ص ۵۲). در این پژوهش نیز مراد از تربیت، پرورش روحی،

۱. «وقل رب ارحمهما كما ربياني صغيراً» (اسراء، ۲۴)

اخلاقی و استعدادهای نهفته در کودک است.

## ۲-۲. وراثت

«ورث» در لغت به معنای باقی گذاشتن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۳۴؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص ۸۵) و معمولاً در باقی گذاشتن اموال بعد از مرگ برای دیگران استعمال می‌شود. اما مصداق وراثت فقط اموال نیست. در روضه کافی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ وَالْأَدَبُ يَبْقَى...»؛ بهترین چیزی که والدین برای فرزندان به ارث می‌گذارند، ادب است نه مال؛ زیرا مال از بین می‌رود ولی مال باقی می‌ماند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۵۰). بنابراین، متعلق ارث می‌تواند امور مادی باشد، همچنان که می‌تواند امور معنوی باشد. به طور کلی انتقال خصوصیتی از والدین به فرزندان را می‌توان وراثت نامید، همانطور که انتقال اموال میّت، به بازماندگان را وراثت می‌نامند.

## ۲-۳. ژنتیک

ژنتیک علمی است که هدف آن مطالعه علمی ژن‌ها و وراثت است و شامل درک چگونگی انتقال کیفیت‌ها یا صفات خاص از والدین به فرزندان از طریق تغییرات در توالی DNA است. یک ژن به عنوان واحد فیزیکی و عملکردی اساسی ارث در نظر گرفته می‌شود که از بخش‌هایی از DNA تشکیل شده و حاوی دستورالعمل‌هایی برای ساخت مولکول‌هایی است که به عملکرد بدن کمک می‌کند. همچنین ژن‌ها به عنوان واحد اساسی وراثت در نظر گرفته می‌شود، زیرا ژن‌ها از والدین به فرزندان منتقل می‌شوند و اطلاعات لازم برای توسعه و عملکرد یک ارگانیسم را حمل می‌کنند (Genetics, 2022). ژن واژه‌ای از ریشه یونانی Genos است که به معنای نسل و مولد و زاده است (Gène, n.d.). این واژه اولین بار در علم ژنتیک توسط دانشمند دانمارکی ویلهلم یوهانسن<sup>۱</sup> در سال ۱۹۰۹ به کار رفت (قاسمی، ۱۳۸۸).

دانش ژنتیک هیچ‌گاه تعریف کلی پذیرفته‌شده‌ای از مفهوم ژن ارائه نکرده است. در عوض، پژوهش‌های بیش از یکصد سال اخیر در حوزه ژنتیک منجر به ارائه مفاهیم متفاوتی از ژن شده، که گاه مکمل هم بوده و گاه هم با هم در تناقض‌اند (سلطانی، ۱۳۹۸). تعریف دقیق کلمه ژن مدت‌هاست که منبع بحث علمی بوده است. یک راه ساده برای فکر کردن در مورد آن به این شرح است: پروتئین‌ها آجر و ملات هستند که سلول‌ها و بافت‌های ما را تشکیل می‌دهند و ژن‌ها بخشی از ژنوم ما هستند که اطلاعات مربوط به ساخت این پروتئین‌ها را رمزگذاری می‌کنند. به عنوان مثال، ژنوم انسان تقریباً ۲۰ هزار ژن کدکننده پروتئین دارد.

1. Wilhelm Johannsen

جالب توجه است که تمام اطلاعات مربوط به این ۲۰,۰۰۰ ژن کدگذاری پروتئین، تنها توسط ۱/۵٪ از کل ژنوم انسان رمزگذاری می‌شود. تعریف گسترده‌تر از یک ژن شامل بخش‌هایی از DNA است که اطلاعات را برای ساخت یک مولکول RNA رمزگذاری می‌کند که به نوعی غیر از کدگذاری مستقیم برای یک پروتئین عمل می‌کند. این ژن‌ها گاهی اوقات به عنوان ژن‌های RNA نامیده می‌شوند (Green, 2023). به این ترتیب ژنتیک علمی است، که نحوه وراثت صفات مختلف از والدین به فرزندان در حین انعقاد نطفه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، وراثت فرایندی است که در آن صفات از نسلی به نسلی منتقل می‌شوند، در حالی که ژنتیک علمی است که به بررسی چگونگی این انتقال می‌پردازد. با این توصیف مشخص می‌شود که این دو مفهوم به هم گره خورده‌اند و نمی‌توان یکی را بدون دیگری درک کرد.

### ۳. پیشینه تحقیق

در مسئله تأثیر ژنتیک بر تربیت انسان، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. تحقیقی در مسئله میزان نقش آفرینی صفات وراثتی در تربیتی اخلاقی به این نتیجه به دست یافت، که هر فرد بر اثر وراثت، دارای زمینه‌های ارثی در حافظه، هوش، جسم و خُلقیات است. از سوی دیگر، با تحلیل جایگاه هر کدام از این ابعاد در ساحت‌های مختلف تربیت، به این نتیجه رسید که گرچه وراثت در برخی ساحت‌های تربیت، مانند تربیت عقلانی و بدنی، نقش پررنگ و بااهمیتی دارد؛ اما در تربیت اخلاقی، صرفاً به عنوان زمینه‌ساز، تأثیرگذار است، و باید با استفاده از روش‌های تربیتی مدیریت شود، تا آثار زمینه‌ای آن مانع جریان تربیت اخلاقی نباشد (شهریاری و نجفی، ۱۳۹۸). در تحقیقی دیگر نشان داده شد که عامل وراثت حاکم بر سرنوشت انسان نیست و نقش انحصاری در تعیین آن ندارد. در نتیجه، افراد با هر نوع وراثتی قابل تربیت و مکلف هستند و یکی از اهداف بعثت انبیاء نیز تقویت سرمایه‌های موروثی پسندیده و اصلاح زمینه‌های موروثی ناپسند است (بصیری و گوهری، ۱۳۹۲). همچنین گفته می‌شود که با توجه به تأثیر بنیادی ژنتیک بر شخصیت و رفتار آدمی و اشارات و تصریحاتی که در آموزه‌های دینی نسبت به ژنتیک صفات اخلاقی صورت می‌گیرد، کسب صفات اخلاقی از طریق ژنتیک در آموزه‌های دینی اثبات می‌گردد. علاوه بر آن، تعامل میان ژنتیک و محیط نیز بر تربیت‌پذیری اخلاقی انسان دلالت دارد. بنابراین، براساس راهبرد اساسی نقش فعال آدمی در هستی و نیز تأثیرگذاری که ژن‌ها در شکل‌گیری شخصیت و سعادت او دارند، اصلاح ساختار ژنتیک انسان‌ها برای رسیدن به ویژگی‌های مطلوب اخلاقی و دینی و بهسازی نسل آینده بشری ضروری به نظر می‌رسد (نیرومند، ۱۳۹۲). در پژوهش دیگری تأکید شده است که هرچند اصل وراثت و کارکرد آن نسبت به انسان مورد تأیید رهبران دینی است؛ اما آیات و روایاتی که برای موروثی

بودن صفات اخلاقی به آن‌ها استشهاد شده است، به چیزی بیشتر از تمایل ذاتی و نهادینه کردن بشر به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و بیزاری از نابهنجاری‌ها و رذایل اخلاقی دلالت ندارند؛ از این‌رو، از منظر دینی، انسان موجودی است که در تمام صفات اخلاقی خود، تربیت‌پذیر است (نظری توکلی، ۱۳۹۱). پژوهش حاضر با تمرکز بر روایات شیعه به بررسی سندی و دلالتی تمام روایات موجود در این مسئله پرداخته و به دنبال پاسخ به این سؤال محوری است که آیا وراثت صفات اخلاقی در روایات شیعه به عنوان یک اصل تربیتی مورد پذیرش قرار گرفته است یا خیر؟

#### ۴. شرایط حجیت روایات در علوم تربیتی

روایات معصومین یکی از منابع فقهی شیعیان است. روایات متواتر قطعیت دارند، ولی بیشتر روایات، خبر واحد هستند که اگر باعث اطمینان باشند، در فقه حجّت می‌شوند. اگر خبر واحد اشتباه باشد، مکلف معذور است. اما آیا معذور بودن در علمی که به دنبال اثبات واقع و کشف حقایق خارجی هستند نیز، قابل طرح است؟ در علم کلام، برای یقین پیدا کردن به مسائل، نیاز به برهان است که مقدمات آن باید بدیهی باشد، یا به بدیهی منتهی شود. آیات قرآن و روایات متواتر می‌توانند مقدمه برهان باشند. در علمی که هدف آن‌ها کشف واقعیت است، خبر واحد مفید نیست. این علوم شامل طب، تفسیر و علوم تربیتی هستند. در این علوم، استفاده از خبر واحد متفاوت با علوم عملی است. خبر واحد در علوم غیرعملی فقط یک نشانه برای رسیدن به واقع است و برای کشف واقعیت باید از راه‌های معتبر در آن علم استفاده شود. در علم کلام، برهان عقلی مورد قبول است و روایتی که مسئله‌ای کلامی را بیان کرده، فقط یک راهنما برای برهان عقلی است. در علم طب، یک خبر واحد می‌تواند یک راهنما برای طبیب باشد تا دارویی را آزمایش کند و اگر به نتیجه موفقیت‌آمیز رسید، آن دارو را معرفی کند. در علوم تربیتی، خبر واحد فقط در صورت بررسی صحت و سقم آن می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد. استناد به اخبار آحاد برای حکم نهایی در مسائل تربیتی مخالف روش علمی است. بررسی روایات می‌تواند مقدمه برای بررسی یک نظریه در علوم تربیتی باشد و تنها اگر تواتر معنوی روایات به اثبات رسید، می‌توان حکم نهایی در مسئله تربیتی را ارائه کرد.

#### ۱-۴. روایات دال بر انتقال صفات غیرجسمانی به وسیله ژن‌ها

در روایات نیز سخن از انتقال صفات غیرجسمی به وسیله ژنتیک مطرح شده است. برخی روایات فقط اصل انتقال صفات روحی از والدین به فرزندان را بیان کرده‌اند؛ اما در برخی روایات دیگر، اشاره به انتقال صفات اخلاقی از والدین به فرزندان شده است. در طایفه سوم روایات، انتقال استعدادها و توانایی‌ها از والدین به فرزندان نیز مورد توجه بوده است.

## ۱-۱-۴. طایفه اول: روایات دال بر تأثیر ژنتیک در تربیت

در روایات منقول در کتب روایی، روایات زیادی وجود دارد که اصل انتقال برخی خصوصیات غیر جسمانی از طریق ژنتیک را تأیید می‌کنند. این روایات را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول روایاتی که در مورد معصومین(ع) وارد شده است و دسته دوم روایاتی هستند که به صورت عام در مورد همه انسان‌ها بیان شده‌اند. در ادامه این روایات ذکر می‌شوند.

## ۱-۱-۴-۱. دسته اول: روایات مخصوص به معصومین(ع)

## ۱-۱-۴-۱-۱. روایت اول

برخی از این روایات زیارتنامه‌هایی هستند که در زیارات ائمه اطهار(ع) وارد شده است. در بسیاری از این زیارات جمله «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْئِسْكَ الْمُؤْمِنَاتُ مِنْ نِيَابِهَا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۱۴) یا جمله‌ای با همین مضمون وجود دارد. در این قسمت از زیارت‌نامه شهادت داده می‌شود که «تو - ای امام حسین - نوری بودی در صلب پدران عالی مقام و رَجَمِ مادران پاکیزه، جاهلیت با آلودگی‌هایش تو را آلوده نکرد و لباس‌های تیره و تارش را بر تو نپوشاند». این تعبیر نشان‌دهنده این است که امام حسین(ع) در طول تاریخ پدران و مادرانش، پدر و مادری که اهل کفر و شرک باشد، نداشته است. این مزیت برای ایشان یک فضیلت محسوب می‌شود و در زیارت‌نامه‌ها به این مقام شهادت داده می‌شود. این شهادت همچنین نشان می‌دهد که خصوصیتی از جانب پدران و مادران به او ارث رسیده که باعث برتری او بر سایرین از این جهت شده؛ یعنی در اجداد ایشان خصوصیتی بوده که به او منتقل شده و باعث برتری و فضیلت او بر دیگران شده است. این معنا همان انتقال صفاتی غیر جسمانی از طریق ژنتیک به فرزندان است. این روایات از نظر سندی «موثوق الصدور» هستند؛ ولی از جهت دلالتی چون در خصوص اهل بیت وارد شده‌اند، ممکن است این احتمال را تقویت کند که این خصوصیات فقط اختصاص به ائمه داشته باشد و یک نسخه عمومی نیست. اما با ضمیمه شدن دسته بعدی از روایات، این احتمال تضعیف می‌شود و دلالت این طایفه از روایات بر مطلوب کامل خواهد شد.

## ۱-۱-۴-۲. روایت دوم

«جَعْفَرُ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَسَمَ النَّاسَ نِصْفَيْنِ، فَكُنْتُ فِي الصَّفِّ الْخَيْرِ، ثُمَّ قَسَمَ النِّصْفَ الْخَيْرِ ثَلَاثَةً فَكُنْتُ فِي الثُّلُثِ الْخَيْرِ، وَ مَا عَزَقُ فِي عَزَقِ سِفَاحِ قَطٍ، وَ مَا عَزَقُ فِي إِلَّا عَزَقُ نِكَاحٍ كِنِكَاحِ الْإِسْلَامِ حَتَّى آدَمَ؛ خَدَاوَنَدَ مَرْدَمَ رَا بَه دُو قَسْمَتِ تَقْسِيمِ كَرَدَ. مَن دَرِ آن قَسْمِ خَيْرِ

بودم. سپس همان قسم خیر را به سه قسمت تقسیم کرد و من در یک سوم بهتر بودم. در من هیچ رگی از زنا وجود ندارد و تمام اجداد من تا آدم (ع) همگی با نکاح متولد شده‌اند» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۱).

این روایت نیز مانند روایت سابق دلالت بر طیب مولد پیامبر دارد. همانطور که در روایت سابق گفته شد، ذکر این خصوصیت به عنوان یک مزیت حکایت از این دارد، که وقتی والدین و اجداد شخصی حلال‌زاده باشند، سبب انتقال یک خصوصیت مثبت به فرزندان می‌شود.

#### ۴-۱-۱-۳. روایت سوم

«حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ حَفْصِ الْخَنْعَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ التَّغْلِبِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ حَدَّثَنِي حَفْصُ بْنُ مَنْصُورٍ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْوَرَّاقُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (ع) قَالَ: ... قَالَ أَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي طَهَّرَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَمْنَ السَّفَاحِ مِنْ آدَمَ إِلَى أَبِيكَ بِقَوْلِهِ أَنَا وَ أَنْتَ مِنْ نِكَاحٍ لَا مِنْ سِفَاحٍ مِنْ آدَمَ إِلَى عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَمْ أَنَا قَالَ بَلْ أَنْتَ ...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۵۵۱).

شیخ صدوق در کتاب «خصال» در ضمن حدیثی طولانی نقل می‌کند که وقتی ابوبکر خلافت را غصب کرد، برای عذرخواهی نزد امیرالمومنین (ع) آمد و عرض کرد، مردم بر من اجماع کردند و خودم از پیامبر شنیدم که امت من بر چیز اشتباهی اجماع نمی‌کنند. امیرالمومنین (ع) در پاسخ به او فضائل خود را از زبان پیامبر بازگو کردند. از جمله این فضائل آن بود که ایشان فرمودند: «تورا به خداوند قسم می‌دهم، آیا تو بودی که رسول خدا پاک نژادی و حلال‌زادگی او را از آدم تا پدرش به گفته خود (من و تو از آدم تا عبدالمطلب حلال‌زاده‌ایم نه زنازاده) تصدیق کرد یا من؟ ابوبکر پاسخ داد: البته شما». این روایت نیز مانند دو روایت قبل دلالت بر تأثیر اجداد بر شخص و انتقال صفتی غیر جسمی از اجداد به اولاد می‌کند.

#### ۴-۱-۲. دسته دوم: روایات دال بر انتقال صفات به صورت عمومی

روایات زیادی وجود دارد که دلالت بر انتقال صفات غیر جسمانی از والدین و اجداد به فرزندان و نوادگان دارند. این روایات عام هستند و شامل جمیع انسان‌ها می‌شوند؛ برخلاف روایات دسته اول که در خصوص معصومین صادر شده بودند. برخی از این روایات هم از نظر سند و هم از نظر دلالت تام هستند، در حالی که برخی روایات دیگر از نظر سند یا دلالت ممکن است مورد مناقشه قرار بگیرند. در ادامه پس از نقل تمام روایات در مورد تواتر یا مستفیض بودن روایات در این معنا قضاوت خواهد شد.

#### ۴-۱-۲-۱. روایت اول

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَاحَتَاؤُا لِيُظْفِكُمْ



فَإِنَّ الْحَالَ أَحَدُ الضَّجِيعِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۲).

بررسی سند: سکونی در این سخن، همان اسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی است که بنا بر نظر علامه حلّی، عامی است (علامه حلّی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۹۸). در کتب رجالی سکونی توصیفی به جز عامی بودن نشده است. حاجی نوری او را امامی ثقه می‌داند و شیخ صدوق او را عامی ضعیف می‌خواند (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۹، ص ۳۷). در زمان شهید ثانی مشهور بوده که سکونی ضعیف است. لکن بسیاری از علما از جمله کلینی به روایات او اعتماد کرده و روایات بسیاری از سکونی نقل کرده است. همچنین عبدالله بن مغیره که از اجلای اصحاب امامیه است، حدود ۹۷ روایت از او نقل می‌کند. لذا اگر اکثر روایت اجلا و اعتماد علما به یک راوی، دلیل بر وثاقت او دانسته شود، او ثقه خواهد بود. حسین بن یزید نوفلی هم توثیق نشده، ولی اکثر روایات سکونی از طریق نوفلی نقل شده است و به همین دلیل روایات نوفلی نیز مورد قبول علما قرار گرفته است.

**بررسی دلالت:** «ضجیع» یعنی کسی که خوابیده است. «ضجیعین» یعنی دو نفری که خوابیده‌اند. این تعبیر به کنایه برای زن و شوهر استعمال می‌شود. در این روایت گفته شده، دایی نیز یکی از ضجیعین است. پس مشخص می‌گردد که این تعبیر کنایی می‌باشد و مراد این است که فرزند حاصل از ازدواج به دایی‌ها نیز شباهت‌هایی خواهد داشت. صدر روایت، می‌تواند قرینه محکمی بر این معنا باشد؛ زیرا پیامبر فرموده است، به محلی که نطفه خود را قرار می‌دهید دقت کنید؛ زیرا اینگونه نیست که فرزند فقط صفاتش را از پدر به ارث ببرد، بلکه خانواده همسر نیز خصوصیات را دارند که در فرزند نمایان خواهد شد. با توجه به روایاتی که خصوصیات اخلاقی و ایمانی را بسیار مهم‌تر از خصوصیات ظاهری و جسمانی می‌دانند، بسیار بعید است مراد از این هشدار پیامبر نسبت به انتخاب همسر، دقت در خصوصیات ظاهری همسر و برادران او باشد؛ بلکه مراد، انتخاب همسر از خانواده‌ای شایسته و دارای خصوصیات روحی مطلوب است؛ زیرا این خصوصیات از مادر به فرزندان منتقل می‌شود.

#### ۴-۱-۲-۲. روایت دوم

«تخیروا لطفکم فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۸۱). این روایت هم مضمون با روایت قبلی است و به صورت مرسل نقل شده است.

#### ۴-۱-۲-۳. روایت سوم

«وَعَنْهُ (ع) قَالَ: تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۶).

عرق در لغت به معنای ریشه گیاهان است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۵۲). به رگ‌های بدن انسان نیز عرق گفته می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۲) و جمع آن عروق است. عرب معتقد بود، خصوصیات

اخلاقی در رگ‌های بدن انسان نهفته است. لذا برای کسی که دارای اخلاق عبید و فرومایگان بود، از تعبیر «أَعْرَقَ فِيهِ أَعْرَاقُ الْعَبِيدِ وَالْإِمَاءِ» استفاده می‌کردند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۵۳)؛ یعنی رگ‌های بردگان در او ریشه دوانده است. ائمه اطهار(ع) با استفاده از همین تعبیر عامیانه و تفکر رایج، به این نکته اشاره کرده‌اند که صفات اخلاقی قابل انتقال از طریق وراثت است. دَسَّاس از ریشه «د س س» است. این ماده به معنای دفن کردن در قرآن استعمال شده است (نحل، ۵۹). معنای دیگر این ماده که بی‌ارتباط به معنای دفن کردن نیست، به مفهوم وارد کردن چیزی در چیز دیگر با زور و قوت است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ص ۱۱۷). دَسَّاس نیز از همین معنا گرفته شده؛ به این ترتیب، «العِرْقُ دَسَّاسٌ» به معنای این است که صفات اخلاقی و روحی قابل داخل کردن به فرزندان است. شاید بتوان گفت آنچه را که ائمه به عنوان «عِرْق» معرفی کرده‌اند و عامل انتقال صفات جسمی و روحی به فرزند دانسته‌اند، همان است که امروزه از آن به DNA یا ژنوم یاد می‌شود.

#### ۴-۱-۲-۴. روایت چهارم

«قال رسول الله عليه السلام: تخيروا لنطفكم، فانَّ العرق دَسَّاس، و قوله عليه السلام استجيدوا الأخوال» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵۹). ابن ادریس با استناد به این روایت فتوی داده که مستحب است، هنگام ازدواج از خانواده‌های اصیل که خاندان با کرامتی دارند همسر انتخاب کنید.

#### ۴-۱-۳-۵. روایت پنجم

«في حديث النبي عليه السلام: انظر في أي الأصباب تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ العِرْقَ دَسَّاسٌ» (حمیری، ۱۴۲۰ق، ص ۲۰۲).

#### ۴-۱-۳-۶. روایت ششم

«التَّاسُ مَعَادِنُ وَ العِرْقُ دَسَّاسٌ وَ أَدَبُ السَّوِّءِ كَعِرْقِ السَّوِّءِ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۸۸). این روایت نیز مانند سایر روایات ذکر شده از تعبیر «العرق دساس» استفاده کرده است؛ با این تفاوت که در ابتدای روایت، مردم را به معادن مختلف تشبیه کرده است؛ یعنی خصوصیات و استعدادهای فراوانی در مردم وجود دارد و این خصوصیات به نسل بعد منتقل می‌شود. سپس در انتهای روایت، «ادب بد» را که یک امر آموزشی و قابل تعلیم است، مانند یک «عرق» و ژن بد دانسته و مخاطب را از آن برحذر داشته است. در این روایات که جملگی در مقام بیان یکی از ملاک‌های ازدواج برآمده‌اند، بر این نکته تأکید دارند که خصوصیات روحی و اخلاقی از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. بنابراین، به خانواده زنی که قصد ازدواج با او دارید دقت کنید. در برخی تعلیل آورده می‌شود که زنان، فرزندانمان مانند برادران و

خواهران خود به دنیا می‌آورند. این طایفه از روایات از نظر دلالت تصریح دارند که ژنتیک بر تربیت افراد تأثیرگذار است، از نظر سندی برخی قابل اعتماد و موثق و برخی مرسل هستند. در مجموع می‌توان استفاضه روایات بر اصل تأثیر ژنتیک در انتقال صفات روحی را اثبات نمود.

#### ۲-۱-۴. طایفه دوم: ذکر برخی صفات اخلاقی موروثی

طایفه دوم از روایات، از برخی صفات اخلاقی و روحی نام می‌برد و وجود آن صفات در والدین و اقوام را در انتقال این خصوصیات به افراد مؤثر می‌داند. این روایات عبارتند از:

##### ۱-۲-۱-۴. روایت اول

«مَحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِيَّاكُمْ وَتَرْوِجَ الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَوُلْدَهَا ضِيَاعٌ» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۸۴).

سند روایت فوق، همانطور که پیش‌تر بررسی شد، موثقه است. امیرالمومنین (ع) در این روایت می‌فرماید: «با زن احمق ازدواج نکنید؛ زیرا دو مشکل برایتان ایجاد می‌کند: همشینی با او دردسرساز است، و فرزندان او ناچیز و بی‌مقدارند». به تصریح این روایت، صفت حماقت از مادر به فرزند به ارث می‌رسد.

##### ۲-۲-۱-۴. روایت دوم

«وَ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ شَرِيكِ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قُرَيْشًا وَ لَا تُبَغِضُوا الْعَرَبَ - وَ لَا تُذَلُّوا الْمَوَالِيَّ وَ لَا تُسَاكِنُوا الْخَوَزَّ وَ لَا تَرْوَجُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّ لَهُمْ عِرْقًا يَدْعُوهُمْ إِلَى غَيْرِ الْوَفَاءِ» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۸۳).

سند روایت فوق، به «شریک» یا همان شریک بن عبدالله القاضی برمی‌گردد. او قاضی اهل سنت بوده و کشی او را تضعیف کرده است (کشی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۸۴). لذا روایت از نظر سندی مورد خدشه است. **دلالت روایت:** در انتهای روایت امام باقر (ع) می‌فرماید که با خوزی‌ها - که در آن زمان ساکن خوزستان بوده‌اند - ازدواج نکنید؛ زیرا در آن‌ها «عرق»ی وجود دارد که باعث بی‌وفایی آن‌ها می‌شود؛ یعنی این خصوصیت در این قوم وجود دارد و به فرزندان‌شان منتقل می‌شود.

##### ۳-۲-۱-۴. روایت سوم

«مَحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الشَّجَاعَةُ فِي أَهْلِ خُرَّاسَانَ وَ الْبَاهُ فِي أَهْلِ بَرْبَرٍ - وَ السَّخَاءُ وَ الْحَسَدُ فِي الْعَرَبِ فَتَخَيَّرُوا لِنُطْفِئَكُمْ» (حرّعاملی،

۱۴۰۹ق، ص ۴۹).

سند روایت مذکور صحیح است. در این روایت برای سه قومیت، خصوصیات روحی و اخلاقی ذکر می‌کند. اهل خراسان شجاعت دارند، اهل بربر (آفریقایی‌ها) قوای جنسی زیاد دارند و اعراب سخاوتمند و حسود هستند. سپس امام می‌افزاید انتخاب کنید نطفه‌تان کدام خصوصیت روحی را داشته باشد. یعنی اگر با اهل خراسان ازدواج کنید، خصوصیت شجاعت از همسران به فرزندان منتقل می‌شود و همچنین اهل بربر و عرب. این روایت نیز به روشنی نقش ژنتیک در انتقال صفات روحی را در صفات شجاعت، شهوت، سخاوت و حسادت تأیید می‌کند.

#### ۴-۲-۱-۴. روایت چهارم

«دفع أمير المؤمنين (ع) يوم الجمل رايته إلى محمد ابنه (ع) و قد استوت الصفوف و قال له احمل فتوقف قليلا فقال له احمل فقال يا أمير المؤمنين أ ما ترى السهام كأنها شأبيب المطر فدفع في صدره فقال أدركك عرق من أمك ثم أخذ الراية فهزها» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۳).

براساس این روایت، ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه نقل می‌کند، در روز جنگ جمل، امیرالمومنین (ع) پرچم لشکر را به دست محمد حنفیه داد. دو صف در مقابل یکدیگر بودند و امیرالمومنین (ع) دستور حمله داد، اما محمد مقداری مکث کرد. امام به او گفت چرا حمله را شروع نمی‌کنی؟ پاسخ داد، ای امیرالمومنین مگر نمی‌بینی تیرها مانند باران ریخته می‌شوند؟ امیرالمومنین بر سینه محمد زد و گفت یک رگ از مادرت به تو رسیده است که ترسیده‌ای. سپس خودش پرچم را گرفت و حمله را شروع کرد. در این روایت نیز شجاعت و ترس را صفتی دانسته است که وراثت را در آن مؤثر می‌داند.

#### ۴-۲-۱-۵. روایت پنجم

«إِنَّ مُوَاسَاةَ الرَّفَاقِ مِنْ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۴۱).

در این روایت که در عیون‌الحکم - که کلمات قصار امیرالمومنین (ع) است - آمده، مواسات با دوستان را نشان‌دهنده کرامت در «عرق» دانسته است. مواسات در لغت به معنای شراکت کردن بیان می‌شود. وقتی کسی به دیگری کمک می‌کند، او را در مال خود شریک کرده است (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۲۸). بنابراین، معنای روایت اینچنین می‌شود که اگر کسی به دوستان خود کمک می‌کند، این سخاوت نشان‌دهنده آن است که در خاندانی متولد شده است که کریم هستند و این صفت از خاندانش به او ارث رسیده است. پس این روایت نیز ژنتیک را مؤثر در انتقال صفت سخاوت به دیگران می‌داند.

#### ۴-۲-۱-۶. روایت ششم

«حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۷).

این روایت نیز مانند روایت سابق است؛ با این تفاوت که خوش اخلاقی را نشان‌دهنده خاندان دارای کرامت می‌داند. پس براساس این روایت، ژنتیک در خوش اخلاقی نیز مؤثر است.

#### ۴-۲-۷. روایت هفتم

«عَلَيْكُمْ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ بِشِرَافِ النَّفُوسِ ذَوِي الْأَصُولِ الطَّيِّبَةِ فَإِنَّهَا عِنْدَهُمْ أَقْضَى وَ هِيَ لَدَيْهِمْ أَرْكَى»  
(لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۹).

امیرالمومنین (ع) در این روایت توصیه می‌کند در صورت نیازمندی، به نزد انسان‌های شریفی بروید که نژاد نیکو دارند، تا آنها به شما کمک کنند؛ زیرا درخواست‌ها در مقابل این افراد به طور کامل‌تر و سریع‌تر برآورده می‌شوند. این افراد نسبت به شما با احترام بیشتری رفتار می‌کنند و درخواست از آن‌ها برای شما نیز بی‌عار و ننگ است. درخواست‌هایی که از افراد با اصالت می‌گیرید، برای شما پاکیزه‌تر هستند و از آن‌ها خجالت نمی‌کشید. در مقابل، اگر از افراد پست و بی‌اصالت کمک بگیرید، نه تنها درخواست‌های شما کم‌تر برآورده می‌شوند، بلکه این کار می‌تواند برای شما خفت و ذلت به بار آورد. بنابراین، شرافت نیز صفت دیگری است که از طریق وراثت به فرزندان منتقل می‌شود.

#### ۴-۱-۳. طایفه سوم: روایات دال بر انتقال استعدادها از طریق ژنتیک

اصل تفاوت داشتن انسان‌ها از نظر استعدادها در روایات مورد تأکید قرار گرفته است و به انتقال استعدادها به فرزندان اشاره می‌کند. روایاتی با این مضمون، به قرار زیر هستند:

#### ۴-۳-۱. روایت اول

در روایات اشاراتی وجود دارد که استعدادهای مختلف انسان‌ها را گوشزد می‌کند. معمولاً این معنا با تشبیه انسان‌ها به معادن صورت می‌گیرد. شیخ صدوق از پیامبر نقل می‌کند: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸۰). در روضه کافی از امام صادق (ع) نقل می‌شود:  
«سَهْلٌ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ فَمَنْ كَانَ لَهُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَصْلٌ فَلَهُ فِي الْإِسْلَامِ أَصْلٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۷۷). اهل سنت این مضمون را با اندک تفاوتی از پیامبر نقل کرده‌اند:

«الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة، خيارهم في الجاهلية خيارهم في الإسلام إذا فقهوا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۶۴).

مراد از تشبیه انسان به معادن طلا و نقره این است که انسان‌ها از نظر استعدادها یکسان نیستند. در روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است، بلافاصله بعد از این جمله اضافه می‌کند که هرکس در

جاهلیت اصالتی داشته، در اسلام نیز آن اصالت را دارا است. در معنای این جمله دو احتمال وجود دارد: احتمال اول اینکه، هرکس در جاهلیت اهل خیر، خوش اخلاق و عاقل بود، در دوران اسلام نیز سریع‌تر به قبول حق روی می‌آورد و اعمال شایسته انجام خواهد داد. احتمال دوم این است که هرکس در دوران جاهلیت از خاندانی با اصالت و نیکو بود، در اسلام نیز زودتر به اسلام می‌گراید (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۶۴).

هر کدام از این دو معنا مراد امام صادق(ع) باشد، ارتباط استعدادهای انسان‌ها با نژاد و خاندان مسلم است؛ یعنی استعدادهای انسان از پدران و مادران او به او ارث می‌رسند.

#### ۴-۱-۳-۲. روایت دوم

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ سَدِيرِ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ الْوَلَدُ يَعْرِفُ فِيهِ شِبْهَ خَلْقِهِ وَ خُلُقِهِ وَ شِمَائِلِهِ وَ إِنِّي لَأَعْرِفُ مِنْ ابْنِي هَذَا شِبْهَ خَلْقِي وَ خُلُقِي وَ شِمَائِلِي يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۰۶).

سند روایت مذکور صحیح است؛ زیرا تمام راویان موجود در این سند امامی عادل هستند: هشام بن مثنی همان هشام بن مثنی الحنط است که گاهی اوقات به اشتباه هشام بن مثنی نوشته می‌شود. ایشان به تصریح نجاشی ثقه است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۳۵). سدیر بن حکیم صیرفی نیز ثقه است (کشی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۴). در این روایت سدیر می‌گوید شنیدم امام باقر(ع) می‌فرمود: «به راستی از سعادت مرد است که فرزندی داشته باشد، در خلقت، در اخلاق و در شمائل به مانند خودش باشد و من در این پسر من خلقت، اخلاق و شمائل خود را می‌شناسم، منظور ایشان امام صادق(ع) بود». مراد از خَلْق و خُلُق و شمائل در این روایت چیست؟ شمائل را شکل ظاهری، خُلُق را به معنی اخلاق و فضائل باطنی مثل صبر و تقوی و خَلْق را به مفهوم استعدادها و قابلیت کمالات و طینت شخص دانسته‌اند. اگر شمائل گفته نشده بود، ممکن بود خَلْق به معنای تشابه ظاهری معنا شود؛ اما شمائل صراحت در شکل ظاهری دارد. بنابراین، ظاهر عطف کردن با «او» این است که خَلْق باید چیزی غیر از اخلاق و شکل ظاهری باشد. لذا معنای آن همانطور که علامه مجلسی استظهار کرده، همان استعدادها، قابلیت و کمالات است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۶). در نتیجه، طبق این سند نیز، استعدادهای مختلف در انسان از والدین به فرزندان منتقل می‌شود.

#### ۵. نتیجه‌گیری

از مجموع هر سه طایفه از روایات استفاده می‌شود که اولاً، وراثت و انتقال صفات به واسطه ژنتیک

منحصر در صفات جسمانی و ظاهری نیست؛ بلکه صفات روحی و غیرجسمانی نیز از والدین و خاندان به فرزندان منتقل می‌شود. ثانیاً، برخی صفات اخلاقی در روایات مورد تصریح قرار گرفته و تأکید شده‌اند که به صورت ارثی از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. این صفات عبارتند از: حماقت، بی‌وفایی، شجاعت و ترس، شهوت، سخاوت، حسادت، خوش‌اخلاقی و شرافت. ثالثاً، استعدادهای مختلف افراد نیز از طریق وراثت به فرزندان منتقل می‌شود. بنابراین، روایات مذکور در واقع ملاک‌هایی برای انتخاب همسر با نگاه به تربیت فرزندان آینده شخص را بیان می‌کنند.

در این روایات به اصل تأثیر ژنتیک در انتقال صفات و خصوصیات مذکور پرداخته است، اما میزان تأثیر ژنتیک در شکل‌گیری یک خصوصیت در شخصیت انسان را بیان نمی‌کند. تعیین میزان تأثیر ژنتیک در تثبیت صفات روحی و مشخص شدن سهم سایر عوامل مثل محیط، آموزش و... می‌تواند نقشه جامعی برای تربیت افراد به دست مربیان تربیتی دهد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود، دانشمندان علوم تربیتی با استفاده از آزمایشات و تجربیات روشمند علمی، سهم وراثت و سایر عوامل در شکل‌گیری صفات مختلف را مورد بررسی قرار دهند.

## - منابع -


## قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید. تدوین م. ابراهیم. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ج ۱.
- ابن اثیر، مجدالدین (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. تدوین م. طناحی و ط. زاوی. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی و المستطرفات. تدوین ح. موسوی، و ا. ابن مسیح. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. تدوین ع. غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. تدوین ع. غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). المحکم و المحيط الأعظم. تدوین ع. هندای. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۵.
- بصیری، حمیدرضا؛ گوهری، مریم (۱۳۹۲). نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث. سراج منیر، ۱۴(۱۳)، ص ۱۰۵-۱۲۸. <https://doi.org/10.22054/ajsm.2013.295>
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحة. تهران: دنیای دانش.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۰۴ق). الصحاح. تدوین ا. عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق). رجال العلامة الحلی. تدوین م. بحر العلوم. قم: الشریف الرضی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد. تدوین م. آ. السلام. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق). شمس العلوم. تدوین م. اریانی، ی. عبدالله و ح. عمری. دمشق: دارالفکر.
- سالاری، عزیزاله (۱۳۹۶). فقر معرفت شناختی و روان شناختی در اندیشه پاولف و مکتب رفتار. پژوهش های معرفت شناختی، ۱۴(۱۴)، ص ۱۱۷-۱۴۹.
- سلطانی، جلال (۱۳۹۸). چپستی ژن، کنکاشی تاریخی، زیست شناختی، معرفت شناختی، و فلسفی. زیست شناسی ایران، ۳(۵)، ص ۱۵-۳۴.
- شهریاری، روح الله؛ نجفی، حسن (۱۳۹۸). تحلیل حدود عاملیت صفات وراثتی در تربیت اخلاقی از منظر روایات. معرفت، ۱(۱)۲۸، ص ۲۳-۳۳.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق. قم: الشریف الرضی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تدوین ح. خراسان. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۴). بهینه سازی ژنتیک از منظر اسلام. رواق اندیشه، شماره ۴۷.



- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر التمعی*. قم: دارالکتاب.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفة الرجال*. تدوین م. رجایی. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تدوین ع. غفاری؛ م. آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامية، ج ۵.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. تدوین ح. حسنی بیرجندی. قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تدوین س. رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. بیروت: آل البيت (ع) لإحياء التراث، ج ۱۹.
- مفضل بن عمر (بی تا). *توحید المفضل*. تدوین ک. مظفر. قم: داورى.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال نجاشی*. تدوین س. شبیری زنجانی. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامی.
- نظری توکلی، سعید (۱۳۹۱). تأملی بر جایگاه وراثت در آموزه‌های دینی و تاثیر آن بر تربیت‌پذیری انسان. *اخلاق زیستی*، ۲(۶)، ص ۱۵۵-۱۸۸.
- نیرومند، رضا (۱۳۹۲). *پیامدهای کلامی - اخلاقی تحولات ساختار ژنتیک*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- Gène* (n.d.). Retrieved from: <https://fr.wikipedia.org/wiki/G%C3%A8ne>
- Genetics* (2022). Retrieved from: National Institute of General Medical Sciences: <https://www.genome.gov/genetics-glossary/Genetics>
- Green, E.D. (2023). *GENE*. Retrieved from: <https://www.genome.gov/genetics-glossary/Gene>

## دور الوراثة والجينات في تربية الإنسان من منظور الروايات الشيعية

مصطفى خدادادنزاد 

الأستاذ المحاضر، قسم المعارف الإسلامية، جامعة جندي شاهيور الطبية، أهواز، إيران. khodadad.mostafa@gmail.com

### الملخص

يهدف هذا البحث إلى دراسة دور الجينات والوراثة في تربية الإنسان ونقل الصفات الروحية في المصادر الحديثية الشيعية. كانت طريقة البحث وصفية تحليلية، وأظهرت النتائج، أولاً، أن الوراثة ونقل الصفات ليست مقتصرة على الصفات الجسمانية والظاهرية فحسب، بل تمتد أيضاً إلى الصفات الروحية وغير الجسمانية التي يتم نقلها من الآباء والأجداد إلى الأبناء. ثانياً، تم التأكيد في بعض الروايات على نقل بعض الصفات الأخلاقية بشكل وراثي من الآباء إلى الأبناء، مثل: الغباء، وعدم الوفاء، والشجاعة والجبن، والشهوة، والسخاء، والحسد، والأخلاق الحسنة والشرف. ثالثاً، يتم نقل المواهب المختلفة أيضاً من خلال الوراثة إلى الأبناء. لذا، تشكل هذه الروايات معايير لاختيار الشريك الحياة بالنظر إلى تربية الأبناء المستقبليين للشخص. تطرقت هذه الروايات إلى دور الجينات في نقل الصفات والخصائص المذكورة، لكنها لم تحدد مدى تأثير الوراثة في تشكيل صفة معينة في شخصية الإنسان. لذا، يقترح على علماء علم النفس التربوي استخدام التجارب والخبرات العلمية المنهجية لدراسة مدى تأثير الوراثة والعوامل الأخرى في تشكيل مختلف الصفات.

**الكلمات الرئيسية:** الوراثة، الصفات الروحية، الجينات، الروايات الشيعية، التربية، الأبناء، الآباء.

## Role of Inheritance and Genetics in Human Upbringing from the Perspective of Shiite Narratives

Mostafa Khodadadanejad<sup>ID</sup>

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Ahvaz Jundishapur University of Medical  
Sciences, Ahvaz, Iran. khodadad.mostafa@gmail.com

### Abstract

The main objective of the present research is to investigate the role of genetics in human upbringing and the inheritance of spiritual traits in Shiite hadith sources. The research method is descriptive-analytical, and the results show that firstly, inheritance and the transmission of traits through genetics are not limited to physical and external traits; rather, spiritual and non-physical traits are also transmitted from parents and ancestors to children. Secondly, some ethical traits have been mentioned and emphasized in the narratives that are inherited from parents to children. These traits include foolishness, disloyalty, courage and fear, lust, generosity, jealousy, good manners, and dignity. Thirdly, various individuals' talents are also transmitted to children through inheritance. Therefore, these narratives actually serve as criteria for choosing a spouse with regard to the upbringing of future children. These narratives address the principle of the influence of genetics on the transmission of traits and characteristics mentioned but do not indicate the extent of genetic influence on the formation of a characteristic in human personality. Determining the extent of genetic influence in stabilizing spiritual traits and identifying the contribution of other factors such as the environment, education, etc., can provide a comprehensive map for the upbringing of individuals by educational mentors. Therefore, it is suggested that educational scientists, using systematic scientific experiments and experiences, investigate the role of inheritance and other factors in shaping various traits.

**Keywords:** Inheritance, Spiritual Traits, Genetics, Shiite Narratives, Upbringing, Children, Parents.

**Received:** 2022/11/16 ; **Revision:** 2022/12/11 ; **Accepted:** 2022/12/29 ; **Published online:** 2023/03/23

**Publisher:** Teacher-Propagator Training Center of Seminaries  
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

**Article type:** Research Article  
© the authors

